

خرده روایت‌هایی از حیات علمی و اجتماعی آیت‌الله العظمی میلانی

به روایت شاگردان



وقتی به مشهد آمد، مانند خورشیدی بر سر فضلا و طلاب تابیده شد تا ما حاصل سال‌ها علم آموزی خود را در طبق اخلاص برای شاگردانش ارائه کند. وجود شخصیتی عالم مانند آیت‌الله العظمی سید محمد هادی میلانی در محل تحصیل درس‌های فقهی و دینی شهر عالم آل محمد (ع) سبب شد تا شاگردان زیادی در محضر ایشان تلمذ کنند و در کنار درس فقه، درس اخلاق و زندگی بیاموزند. فضلا و طلاب زیادی بودند که در اواسط قرن چهارم خورشیدی برای بهره‌گیری از درس آیت‌الله میلانی صف می‌کشیدند و هیچ‌گونه حاضر نبودن این فرصت را از دست ندهند. شنیدن صحبت‌ها و گفت‌وگوهای عالمان و فضایی که از نزدیک در محضر آیت‌الله میلانی حاضر بودند، می‌تواند پی بردن به شخصیت و علم بالای این مرجع دینی را تسهیل کند.

آیت‌الله سید محمد حسینی خامنه‌ای:

کریلا رفته و در آن جا مقیم شده بود. من هم در سفری که به عراق داشتم، در کریلا به منزل ایشان رفتیم و ایشان را دیدیم. وقتی آیت‌الله میلانی به مشهد آمدند، به دلیل فضل و شخصیت علمی بالا بسیار مورد توجه قرار گرفتند. البته مانند همیشه، عده‌ای هم بودند که بدگویی می‌کردند؛ اما با این حال درس ایشان رونق یافت و شاگردان زیادی پای درس‌شان حاضر می‌شدند. ما هم وقتی به درس مرحوم میلانی رفتیم، دیدیم درس ایشان بسیار پر جلوه است. ایشان شاید زبان خیلی روانی نداشتند، اما بیان‌شان فوق‌العاده خوب بود. وقتی شروع به طرح یک مطلب می‌کردند، با حرکت انگشتان‌شان موضوع را مرحله به مرحله باز می‌کردند؛ انگار می‌خواستند با همان انگشت‌ها مسئله را طبقه‌بندی و تفصیل دهند.

این روش برای ذهن طلبه بسیار ارزشمند بود؛ چون کمک می‌کرد مطلب را باز کند، اقسام آن را تشخیص دهد، سپس بحث را از جنبه ثبوتی بررسی کند، بعد وارد بحث اثباتی شود، و در پایان نتیجه‌گیری کند و دیدگاه‌های دیگران را نقد یا رد نماید. همه این‌ها را هم با حالتی جذاب و سنجیده بیان می‌کردند و این شیوه ایشان بود.

مصاحبه با مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶/۱۰/۰۱

مرحوم آیت‌الله میلانی در سال ۱۳۳۳ به مشهد آمدند و درس خارج اصول را آغاز کردند. در همان اوایل، پدر من توصیه کرد که در درس ایشان شرکت کنیم؛ چون مرحوم میلانی از دوستان قدیمی او بود. خودشان تعریف می‌کردند: «ما با پدرتان با هم مکتب می‌رفتیم، کشتی می‌گرفتیم»؛ یعنی بسیار نزدیک و صمیمی بودند. پس از آمدن ایشان به مشهد ارتباطشان با پدر من زیاد شد؛ هفته‌ای یک بار می‌آمدند و در منزل ما می‌نشستند. بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده آن زمان، دوستان و هم‌دوره‌های پدرم بودند و با ایشان رابطه نزدیکی داشتند، اما ارتباط مرحوم میلانی از همه نزدیک‌تر بود؛ چون از تبریز با هم آشنا شده بودند، با هم به نجف رفته بودند و بعدها نیز ایشان به



آیت‌الله شیخ غلامرضا دهشت:

محل درس خارج آیت‌الله میلانی شب‌ها در مسجد گوهرشاد بود؛ همان فضایی که به نام آقای گلپایگانی شناخته می‌شد. وقتی وارد مسجد می‌شویم و پشت به قبله می‌ایستیم، سمت چپ شبستان کوچکی قرار دارد که محل درس‌های شبانه ایشان بود. اکنون نمی‌دانم این بخش را به نام آیت‌الله میلانی می‌شناسند یا به نام آقای گلپایگانی. صبح‌ها درس اصول را در دبستان نجف آبادی تدریس



می‌کردند، ولی شب‌ها در همین شبستان مسجد گوهرشاد درس فقه می‌گفتند؛ بخشی از آن نیز مربوط به بحث اجاره بود که بحث مفصلی داشت. مسائل فقهی مختلف را آنجا مطرح می‌کردند. درس شب ایشان معمولاً شلوغ‌تر از درس روز بود؛ اصول می‌گفتند اما درس فقه‌شان پرجمعیت‌تر بود. سبک تدریس ایشان چنین بود که ابتدا مسئله‌ای را مطرح می‌کردند و اگر فرصت مطالعه داشتند، بسیار حساب‌شده و دقیق بحث را پیش می‌بردند. یکی از امتیازهای مهم آیت‌الله میلانی تسلط فوق‌العاده ایشان بر ادبیات عرب بود؛ به طوری که کمتر کسی می‌توانست ایراد عبارتی از ایشان بگیرد. عبارات را چنان صحیح و زیبا می‌خواندند که برای ما جالب و چشمگیر بود. مسئله را مطرح می‌کردند، سپس احوال بزرگان را نقل

می‌کردند و بسیار به رأی دو استادشان - مرحوم نائینی و مرحوم کمپانی (که به «حاج شیخ» تعبیر می‌کردند) - اهمیت می‌دادند. درس ایشان واقعا عمیق و دقیق بود؛ به گونه‌ای که اگر کسی با شیوه درس آیت‌الله میلانی انس می‌گرفت، دیگر به سختی می‌توانست در درسی غیر از درس ایشان شرکت کند.

در همان زمان که آیت‌الله میلانی درس می‌گفتند، حاج میرزا احمد کفایی، آقای سبزواری هم در مسجد گوهرشاد درس می‌گفتند. شیخ احمد شاهرودی هم درس داشتند. افراد دیگری نیز بودند که درس می‌گفتند؛ مثل مرحوم شیخ هاشم که در مدرسه درس می‌دادند و همین‌طور آقایان دیگر.

شیخ هاشم در اواخر عمرشان درس خارج می‌گفتند. همچنین مرحوم میرزا جواد آقا در مدرسه میرزا جعفر درس خارج داشتند. مرحوم شیخ کاظم دامغانی نیز درس خارج داشتند و تقریباً هم‌دوره همین‌ها بودند. محل تدریس ایشان معمولاً مدرسه «دور» بود؛ همان‌طور که عرض کردم، با مدرسه دور در انس داشتند. شیخ کاظم دامغانی که پسرشان آقای مهدوی بود و به رحمت خدا رفت و نیز شیخ محمدرضا. مرحوم آیت‌الله سبزواری هم در شبستان طرف دیگر مسجد مدتی درس می‌گفتند. آیت‌الله وحید نیز مدتی در مشهد بودند و هم سطح و هم خارج تدریس می‌کردند. من به درس‌شان نمی‌رفتم، ولی برخی دوستان می‌رفتند. بعد هم ایشان هجرت کردند. آیت‌الله قمی هم در مسجد گوهرشاد درس می‌گفتند، اما درس عمده خارج در مشهد، درس آیت‌الله میلانی بود که سرآمد همه محسوب می‌شد. مرحوم آیت‌الله میلانی بسیار مبادی آداب بودند؛ در اصطلاح اهل علم، بسیار متخلق به اخلاق. گرم، با محبت و مؤدب برخورد می‌کردند.

مصاحبه با مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶/۰۱/۲۶